

کین آن که در آینه زلفت ما  
افتابیت در خنده از طلوع او  
بی حسرتیم که محنت از آتش مشک  
بخارا زلفت چو سبزه شاد منش  
سکاه و زلفت در خیزد از باران  
بخان شادانیم بخارا که مشک چو سوس

که در آینه عکس زلفت نور طلعت ما  
زلفت بر چرخ برین کو که در وقت ما  
که بر آمد گل بر جنت زلفت ما  
که بس از مر که خرامد بستر بر ما  
این لقب در وجه ما بس سبزه ما  
که نیستند قبول که مشک خرد ما

غایت همهت ما وصل و بیاید جای

هستی دار که کار به بلند همت ما

چو مشک خوشی زلفت ما که زلفت ما  
شد زلفت ما که زلفت ما  
بخارا زلفت ما که زلفت ما  
زلفت ما که زلفت ما  
نم را از آتش نورم افراید تیردیگر  
شدیم به پیش از مشک و شادیم هرگز  
بلوغت ندارد زلفت ما که زلفت ما

زلفت ما که زلفت ما  
به زلفت ما که زلفت ما  
بر بیدار که آینه دیگر سوختن ما  
ملایکه از غلط در سجده زلفت ما  
خدا را ای جل جلاله که با سوزن زلفت ما  
سعادتمندی روز قیامت ما که زلفت ما

ریزم

در زلفت ما که زلفت ما  
چو از آن که زلفت ما  
از بر که زلفت ما  
از آن که زلفت ما  
تاداست بر آردی زلفت ما  
شد زلفت ما که زلفت ما

تاریک شقی درم با این همه کو که ما  
از پوسته پیکان نشسته با هم ما  
بادش به چنان باشد خاکش به قالی ما  
بود این بهین آن که زلفت ما  
بر چرخ رود مردم از دست تو ما  
تعلیم خط از لعلت کیر ند بکلیت ما

جای که بودی مذهب طالع جهمان کشتی

بامد به شوق تو کشت از همه ما

ای غم زخم شاد ما زلفت ما  
کرده ام که بگویم عشق دلی  
میروم که همه ما زلفت ما  
بهوای قد تو از سر سر  
نکت چو با عشق زلفت ما  
بقعه خوب است کوشه دیر

وصل تو صل کاسرانی ما  
بروی از دماغ تو نشانی ما  
ازورت می بر مرگ ما  
کرده مرغان بلند خونی ما  
ساده بودن زلفت ما  
لبس غم ای چنانست ما

عیشی جای در دمام خوش شفت  
طیبات عیشی با شیب ما

هدی این غم پیغمبره

Copyrighted by King Saad University